

۲۰۱۲/۰۸/۱۴

ملیحه نایاب

چرا مسلمانان در آخر ماه مبارک رمضان بیشتر ریاضت میکشند؟

مسلمانان را عقیده برین است که در ده روز آخر ماه مبارک رمضان یک شبی بنام (شب قدر) وجود دارد، بناً در آنشب ها بیشتر از شب های دیگر خواب را از چشمان خود ربوده و تا به سحر به ذکر و عبادات می پردازند، تا باشد که حاجت شان مورد قبول درگاه الهی واقع و از گناهان پاک گردند.

نخست لحظه ای از خود باید پرسید، که آیا کدام بنده ای از بنده گان خداوند را در طول عمر رنجانده ایم و یا خیر تا اولتر از همه در صدد جبران و تلافی آن باشیم، و چه انتظاری بیجا خواهد بود در آنشب که دیگران با کمال نارضایتی از ما روگردان باشند.

امروز در میان مسلمانان مانند گذشته اخلاص، راستی و محبت چندان وجود ندارد، و جای آنرا در دلها کینه و عداوت پر ساخته است، بی عدالتی و ظلم به اوج خود رسیده است. دکاندار در این ماه مبارک مواد بیشتر ذخیره میکند تا به نرخ بلند تر به فروش رساند. انتحار کننده در مسجد خانه خدا خود را منفجر میسازد، که در آنجا افراد بیگناه (روزه داران) در حال خواندن نماز به شهادت میرسند. در دیگر نقاط جهان (سوریه) جنگ خونین در جریان است.

با وجود عداوت ها و تاریکهای در درون دل (تبعیض، تفرقه و برتری خواستن ها و غیره..) باز هم خداوند تعالی از روی لطف و مرحمت بی پایانش چنین فرصت تفکر را درین ماه مبارک که از هزاران ماه بهتر میباشد به بنده گانش داده است، تا در جهت اصلاح خویش برآیند و از رحمت نور الهی درین ماه مبارک بی نصیب نمانند.

بلی! تا لهای مسلمانان در برابر خود شان وادیان دیگر (آسمانی) پاک و عاری از کدورت ها نگرند، مشکل خواهد بود به مراد خویش به دیدن آن نور ذات حق برسیم. آمده است اینکه:

قوم انصار را عادت براین بود، در دعا های خویش اول به حق مهاجرین که از مکه به مدینه آمده بودند دعای خیر و سلامتی میکردند و بعدش به حق خود، همچنان مهاجرین مدینه در دعای خویش اول از انصار یاد مینمودند و بعد برای خویش دعای خیر و سعادت مینمودند، زیرا با آمدن مهاجرین در مدینه قوم انصار از جنگ های که در میان فرقه هایشان بود دست کشیده و در کنار مهاجرین احساس خوشبختی مینمودند و مهاجرین نیز از خدمات قوم انصار در اوایل هجرت شان در مدینه که به آنها کمک رسانیده بودند به نیکویی یاد مینمودند، یعنی در غم و خوشی همدیگر شریک بودند و روابط خوب و نزدیک با هم داشتند.

در گذشته در صنوف ابتدایی برای شاگردان مطالب بسیار عالی که عاطفه بشری و اخلاق اسلامی را در ذهن انسان تقویت می بخشید تدریس میکردید، و یکی هم در مورد همین شب قدر بود که تا امروز در خاطر ما باقیست:

(دو برادر بودند، شب ها قبل از خواب در فکر رفاه و خوشبختی همدیگر می اندیشیدند تا بخواب میرفتند، با خود میگفتند که چگونه از حصه گندم خرمن خود، یکمقدارش را به خرمن برادر که دارای زن و فرزند میباشد و خود مجرد اضافه نماید تا برادرش از آن واقف نگردد. همچنان برادر بزرگش شبها در فکر برادر مجرد خود بود تا برای خرچ و مصارف تشکیل زندگی آینده اش از خرمن خود یک بوجی گندم در خرمن او علاوه کند تا از آن آگاه نشود، هر یک از آنها از این نیت خیر شان بدون آنکه با همدیگر در میان بگذارند در نیمه شب ها و در خاموشی مطلق انتقال آنرا انجام میدادند، وقتیکه فردایش به سر خرمن خود میرفتند و دو باره اندازه میکردند، در میافتند که به همان مقدار اولش بوده و کدام تغییر در آن بوجود نیامده است. چندین بار این عمل را انجام دادند تا اینکه در دل شب هر دو در محلی بنام (مقدس) با هم در حالیکه بوجی های گندم را حمل میکردند مقابل گشتند، در همان لحظه نور خدا از آسمان بر سر آنها بارید و هر دو بدون آنکه حرفی باهم بزنند، علت اینکه چرا از مقدار گندم خرمن ها چیزی کم نمیشد برایشان آشکار گردید.)

پس در شب قدر نور خدا را کسان خواهند دید که درجه اخلاص و ایمان در قلب آنها به اوج آخر خود رسیده باشد، در آنوقت انسان به درجه عالی ارتقاء یافته و به پروردگارش نزدیک میگردد.

بلی! قلب و دیانت پاک یک مسلمان واقعی تجلی بخش نور خدا ست و در هر امری که باشد انسان را به مقام های بلند نزدیک میسازد. نمو نه های زیادی از چنین اشخاص را در جهان امروزی داریم، گذشته ازینکه در کدام دین و این

قرار دارند، بعضی از آنها حتی خوشی و لذت زندگانی دنیایی شانرا در راه سعادت دیگران (مستحقین) به مصرف رسانیده اند.

قبلا در یکی از مقالات راجع به زن که از مصارفات، یعنی خرج روزمره زندگی خود کم میکرد، لباسهایش را خود تهیه میکرد حتی بند های بوتش را نمیخرید، یعنی از مصارف بیجا دوری میکرد و از پولهای (پس انداز) که ازین راه بدست میآورد همه اش را در راه خدمات اجتماعی، ساختن مکاتب و کمک به فقرا به مصرف میرسانید.

به قول سعدی چنانکه در مورد فلسفه روزه بیان داشته است اینکه: درین ماه بجای سه وقت طعام خداوند تعالی دو وقت غذا خوردن را مقرر داشت تا یک وقت غذا شانرا به فقرا بدهند، و فقرا که اکثریت یک بار غذا برایشان میسر بوده در همین ماه همه یکسان (فقرا و اغنیا) دو مراتبه غذا مصرف نمایند.

آیا شب قدر را این گرسنه گان هر شب در خواب نمی بینند، البته تجلی نور خدا در دل همین بیوه زنان که جز صبر چاره ای ندارند و اطفال یتیم گرسنه که خوردنی ها را در خواب میبینند و خود را به آن تسلی میدهند می تابد. آیت شریفه نباید فراموش گردد که خداوند تعالی میفرماید: (فقرا را در برابر اغنیا در امتحان و آزمایش قرار دادیم.) پاک نگهداشتن نفس تنها با عبادات (روزه و نماز) تکمیل نمیشود که در آن ایمان و اخلاص کامل نباشد و آن زمانی میسر شده میتواند که انسان از امتحان خداوند تعالی موفق بیرون آید. خداوند تعالی برای امتحان بنده گان در تمامی ادیان اسمانی روزه را مقرر داشتند، صرف برای خورد و نوش و یا ترس خدا نبوده، بلکه برای پاک نگهداشتن قلب از کدورت ها و سیقل نمودن روح و روان انسان از پلیدی ها میباشند.

خداوند تعالی به ابرهیم ع گرفتار (روزه) را سفارش نمود و آنچه دستور خداوند بود با موفقیت انجام داد و سپس خداوند تعالی ابراهیم را بعد ازین امتحان بزرگ به جایگاه خاص مقامش را بلند گردانید.

همچنان به موسی ع خداوند تعالی سی روز (روزه) را سفارش نمود تا بعد از سپری نمودن آن ایام و پاک شدن نفس، ثورات را برایش بدهد. خداوند تعالی ده روز را بیشتر ساخت، یعنی بعد از چهل روز (ده فرمان) که عبارت از آیات اساسی ثورات بود برایش اعطا نمود تا نزد قوم خود بر گردد، و این تحفه الهی را با آنها شریک سازد تا گمراه نشوند. چون موسی ع ده روز بیشتر در آنجا باقی ماند و مردم چنان فکر کردند که موسی ع با آنها وعده خلافی کرده و دیگر بر نخواهد گشت و به همین نسبت یکعهه شان به گوساله پرستی رو آوردند. البته قوم بنی اسرائیل بعد از دریافت (ده فرمان) به شکرانه گی از آن همه ساله چند روز را (روزه) میگرفتند، که نزد بعضی یهودیان همچنان تا امروز باقیست..

در قسمت عیسی ع نیز آمده است چون مردم از وی خواستند تا برای آنها سفره ای را از آسمان (بهشت) از جانب پروردگار برای قناعت خاطر شان طلب نماید تا نشانه ای برای آینده گان نیز باشد، عیسی ع از خداوند این خواهش را نمود، تا با دیدنش عید داشته باشند، خداوند تعالی به عیسی ع دستور داد تا برای اجابت تقاضایش سی روز را (روزه) بگیرد، با فرستادن دسترخوان که شامل (غذا های متنوع) بود همه کسانی که به عیسی ع ایمان آورده بودند با هم افطار و جشن بر پا نمودند. عیسویان همچنان چند روزی را هر سال به شکرانه گی از نعمات الهی روزه میگیرند، در قسمت روزه عیسوی ها باید گفت که آنها صرف از خوردن و نوشیدن بعضی از مواد درین ایام اجتناب میکنند ولیکن از نوشیدن آب که مایه حیاتی میباشد اجازه نوشیدن را دارند.

در آغاز اسلام مسلمانان نیز به شیوه های ادیان گذشته (سه) روز روزه میگرفتند، که روشن نیست کدام نوع روزه بوده، زیرا خداوند تعالی برای (حضرت مریم و حضرت زکریا) سفارش روزه بگونه داده بود تا برای مدت سه روز با هیچ کسی حرف نزنند، و این علامتی بود که پیغمبران و مومنان در امتحان قرار میگرفتند و هرکه آنها را میدید با دیگران حرف نمیزنند، منتظر یک خبر بسیار مهم میبودند. چنانکه در قران از مژده فرزندان حضرت زکریا، همچنان سخن گفتن عیسی ع در گهواره آمده که برای بسیاری مردم غیر قابل تصور بود.

قبل از همه باید بدانیم، آنچه از طرف خداوند به پیغمبرانش دستور داده میشد تا انجام بدهند، آیا امت های شان نیز خط آنها را همچنانکه پیغمبران انجام میدادند تعقیب میکردند؟

پیغمبران این توان را داشتند تا همیشه در طهارت بوده و زیاد وقت شانرا در عبادات سپری نمایند تا ثابت سازند که نفس خود را در راه رضای پروردگار پاک ساخته، آماده دریافت پیام (وحی) و انجام اوامر از جانب خالق شان میباشند. در سوره المزمل خداوند به پیغمبرش محمد ص میفرماید: تا از خواب (نیمه شب) بر خیزد مقدار از آیات را بخواند و از ینکه در ایام روز در اطرافش همه در رفت و آمد است، درین وقت شب برایش چیزی سنگین (آیات قران) را القاء کند تا در امر رسالت بیشتر رسیدگی کرده بتواند.

یکتعداد مردم در هر دوره، یهودیت، عیسویت و حتی در زمان پیغمبر اسلام بودند که میخواستند تا زیاد ریاضت بکشند حتی به ترک دنیا رو آورده از ازدواج دوری میکردند، و خداوند تعالی مردم را از زیاده رویی در هر امری منع فرموده است. چنانکه در روایت آمده است یکتعداد زنان نزد رسول خدا آمده شکایت نمودند: شوهران ما آنقدر در مسجد و عبادات غرق شده، که ما را فراموش کرده اند، رسول خدا آنها را فهماند تا در هر امری میانه رو باشند.

(قران) در ماه رمضان و در یک شب قدر این هدیه گرانقیمت که خود (معجزه) خوانده شده به پیغمبر خدا نازل گردید، و برای شکرانه گی و سپاس ازین نعمت بزرگ الهی مسلمانان نیز در ختم هر ماه مبارک رمضان ایام عید را تجلیل میکنند.

در مورد اینکه آیا همه قران در یک شب قدر نازل گردیده است و یا همان سوره که بار اول نازل گردیده بود، خداوند در چندین جای، قران را با تورات در کنار هم قرار داده، پس آنگونه که به موسی ع تورات نازل گردیده، یعنی قبل از نزول تورات خداوند تعالی با موسی ع صحبت کرده، آیات و هدایات چند برایش داده بود تا با برادرش هارون بطرف فرعون برگردد، و بعداً دستورگرفت تا سی روز را (روزه) بگیرد و (ده فرمان) که بخش اساسی تورات را تشکیل میداد و بروی تخته سنگ نوشته شده بود، به موسی ع داده شد.

نظر به ضرورت و ایجابات زمان وحی و آیات از خداوند تعالی در زمان پیغمبری خود نیز اخذ مینمود. وقتیکه خداوند میفرماید که من قران را در یک شب قدر نازل کردم، این آیه واضح میسازد که بعد از صدور حکم ماه رمضان و دستور گرفتن روزه که پاکی نفس میباشد، خداوند تعالی بخش اساسی آیات محکم (قران) را به سینه مبارک شان داخل گردانید و هم به پیغمبرش میفرماید که در حفظ آن عجله نکن، ما در حفظ آن (تدریجاً) به تو کمک میشویم، پس تعداد آیات بیشتر بوده که در اول نازل شده بود. همچنان نظر به شرایط و ایجابات زمان درطول مدت بیست و سه سال برای پیغمبر خدا (وحی) نیز میرسید..

خداوند تعالی به پیغمبرش میفرماید: من ترا به دین سهل و آسان مبعوث نمودم، تا در آن مشکل نباشد. در روایت آمده است که رسول خدا فرمودند: خداوند تعالی مرا به دین سهل و آسان مبعوث ساخت، ولیکن افسوس که امت من با پیروی از هوای نفس هر چیز را به خود مشکل ساخته است.

پایان